

## رابطه تعامل والد- فرزند با سطح رفتارهای پر خاشگرانه دانش آموزان

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۳

فرشته میرزایی کوتنایی<sup>۱</sup>، ایرج شاکری نیا<sup>۲</sup>، فرهاد اصغری<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** تعامل مطلوب والدین با فرزندان در سازش یافتگی رفتاری، اجتماعی، و تحصیلی کودکان نقش بسیار مهمی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین تعامل والد- فرزند با میزان رفتارهای پر خاشگرانه دانش آموزان انجام شده است.

**روش:** مطالعه حاضر از نوع همبستگی در قالب طرح پیش‌بین است. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دختر پایه پنجم مشغول به تحصیل در دبستان‌های دولتی شهر ساری در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ بود که تعداد ۲۵۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه رابطه ولی- فرزند (فاین، ارمورلند و اندروشوبل، ۱۹۸۳) و پرسشنامه پر خاشگری کودکان دبستانی (شهیم، ۱۳۸۵) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** نتایج تحلیل همبستگی حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین تعامل والد-فرزند ( $r = -0.79, p < 0.001$ ) و ابعاد آن با پر خاشگری کل و خرده‌مقیاس‌های آن بود. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که تعامل والد-فرزند می‌تواند با ۹۹ درصد اطمینان پر خاشگری کودکان را پیش‌بینی کند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به رابطه معنادار بین نوع رابطه والد- فرزند با میزان رفتارهای پر خاشگرانه فرزندان، می‌توان نتیجه گرفت که چگونگی تعامل والدین با فرزندان عامل مهم و تعیین‌کننده در نوع رفتار کودکان از جمله پر خاشگری آنها است.

**کلیدواژه‌ها:** رابطه والد-فرزند، پر خاشگری، کودکان

۱. \*نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (fereshteh.mirzaei62@gmail.com)

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

## مقدمه

ارتباط موتور روابط اجتماعی و یک ضرورت برای همه روابط استو هنگامی که با تعامل والد-فرزندی آید نقش حیاتی ایفا می کند. آن ایجاد و حفظ روابط بین والدین و فرزندان است که باعث تعامل قوی بین والدین و کودک می شود و به طور قابل توجهی به درک و پذیرش متقابل بین والدین و فرزند کمک می کند (۱). کارنس هولت (۲) معتقد است تعامل والد-فرزندی نخستین معرف دنیای ارتباطات کودک و یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است که متشکل از ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظاراتی است که منحصر به پدر و مادر خاص و یک کودک خاص است. در خصوص اهمیت آن نیز بیشتر پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که عامل خانواده و مخصوصاً رفتار والدین در دوران کودکی نقش مهمی در بروز مشکلات رفتاری در کودکی و بزرگسالی دارد (۳ و ۴)، زیرا کودکان آینده والدینند و رفتار کودک عکس العملی به عوامل محیطی و خصوصاً نسبت به عملکرد والدینش می باشد.

تحقیقاتی که در زمینه مشکلات رفتاری صورت گرفته است، اغلب این نتیجه را در برداشته است که اختلال های رفتاری مانند پرخاشگری بیشتر حاصل خانواده های مشکل دار، ساختار ناسالم و نحوه ارتباط نامطلوب والدین با کودک است تا عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی (۵، ۶ و ۷). به گفته روان شناسان اجتماعی مخرب ترین نیرو در روابط اجتماعی، پرخاشگری است (۸) که دو جنبه متفاوت دارد: یک عینیت (عمل) و دیگری ذهنیت (احساسات). عینیت نشانگر این است که پرخاشگری رفتاری عملی، آشکار و خارجی است و ذهنیت حاکی از این است که پرخاشگری همراه با یک احساس درونی است؛ این احساس ترکیبی از افکار، هیجان ها و گرایش های رفتاری است که به صدور رفتار پرخاشگرانه منجر می شود (۹). پرخاشگری احساس های منفی نشان داده شده توسط فردی است که در شرایط تنیدگی قرار دارد (۱۰). رفتار پرخاشگرانه به عنوان اقدامی نسبت به فرد یا شیء خاص

با هدف صدمه یا ترساندن دیگران است (۱۱ و ۷). در واقع پرخاشگری، تمایل به آسیب جسمی یا عاطفی به دیگران است که شامل پرخاشگری فیزیکی از طریق رفتارهایی مانند شکستن اموال دیگران، هدف قرار دادن دیگران، هل دادن، پرتاب اشیاء یا صدمه زدن به حیوانات، و همچنین پرخاشگری کلامی از طریق رفتارهایی مانند استدلال، انتقاد، تهدید، توهین و یا سرزنش دیگران بروز می کند (۱۲). پرخاشگری واکنشی که تحت عنوان پرخاشگری خصمانه نیز آمده است، رفتاری تلافی جویانه است معمولاً بر اساس ترس، تهدید یا پاسخی به یک موقعیت تحریک آمیز یا ناکام کننده به قصد آسیب زدن یا صدمه رساندن به دیگران صورت می گیرد. در مقابل پرخاشگری پیش فعال، که تحت عنوان پرخاشگری وسیله ای نیز آمده است، در تئوری یادگیری اجتماعی بندورا به عنوان رفتاری که به وسیله تقویت های بیرونی مهار می شود، بیان شده است. که حساب شده است و انگیزه کودک و نوجوان از این رفتار، بیشتر برای کسب پاداش و یا تحمیل اراده خود می باشد (۱۳). پرخاشگری رابطه ای به عنوان اعمالی در نظر گرفته می شود که به طور قابل توجهی به احساسات و دوستی بچه های دیگر در گروه همسالان آسیب می رساند و شامل طرد و خودداری از ادامه دوستی، حذف فرد از گروه دوستان و عدم پذیرش کودک در گروه (۱۰) و پخش شایعات مخرب در مورد یکی از دوستان به منظور آسیب جایگاه اجتماعی همسالان برای ارتقاء جایگاه خود یا تلاشی برای انتقام گرفتن از دوستان با توجه به برداشت آنها از طرز برخورد دوستان باشد (۳).

محققان برقراری محیطی گرم و صمیمی در خانواده و رابطه محبت آمیز بین والدین و فرزندان را عاملی در جهت کاهش پرخاشگری کودکان می دانند (۱۴ و ۱۵). این رابطه، نقش مهمی در عملکرد کودکان دارد و از راه این ارتباط دو جانبه اولیه با والدین است که کودکان چیزهایی در باره محیط اطراف خود فرا می گیرند. اگر والدین نسبت به علائم کودکان حساس نباشند، آنها را حمایت نکنند، باعث ایجاد

امن، محبت و مهرورزی، تأیید و تلاش و کوشش برای درک رفتار کودک و پاسخ گو بودن والدین که طی آن کودک احساس شایستگی، پذیرش، عزیز بودن و مورد توجه بودن بکند، با برخورد غیرپرخاشگرانه کودکان همراه است (۱۸). در چنین بافت خانوادگی، بیشتر احتمال دارد که فرزندان ارزش‌ها و هنجارهای والدین را درونی کنند و به احتمال بیشتر افکار، احساسات و فعالیت‌های روزانه خود را برای والدین بیان کنند. بنابراین، دلگرمی و راهنمایی والدین به کاهش فرصت کمتر برای مشکلات رفتاری کمک می‌کند (۳). البته، یافته‌ها از کیفیت تعامل بین والدین و دختران نوجوان با سطوح پایین‌تری از پرخاشگری دخترها حمایت قوی‌تری می‌کنند (۲۰ و ۲۱). ولی در این که کدام یک از والدین نقش مهم‌تری دارند، اختلاف نظر وجود دارد. از آن جایی که دخترها اغلب زمان بیشتری را با مادرها سپری می‌کنند، تأثیر مستقیم رفتارهای مادران بر تربیت دختران بسیار مشهود است. مطالعات نشان می‌دهد که تعامل با مادر به کاهش رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان (۲۲، ۲۳ و ۳) کمک می‌کند. لیکن ارتباط صرف با مادر برای دختران کافی نیست و آنها به همراهی دائمی پدرانشان هم نیاز دارند. با این حال، حمایت جامع از پدران نشده و مشارکت آنها در خانواده بیشتر به عنوان نان‌آور و فراهم‌کننده سرمایه و رفاه خانوادگی دیده می‌شود. برخی مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که پدر در پیشگیری از بروز مشکلات رفتاری، اجتماعی نقش ویژه‌ای دارد (۲۴، ۲۵ و ۲۶). نتایج مطالعات فوسکو و همکاران (۲۷) نیز نشان داده است که کیفیت تعامل پدر-فرزند با کاهش رفتارهای ضداجتماعی در اوایل دوره نوجوانی همراه بوده است، در حالی که کیفیت تعامل مادر-فرزند با رفتارهای ضداجتماعی نامرتب بوده است. پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهد که نقش تعامل پدر در کودکی اثر بیشتری بر سازش‌یافتگی فرزندان دختر دارد. مطالعات نشان می‌دهد که رابطه مثبت و وابستگی متقابل بین پدر-دختر، رابطه منفی با مشکلات هیجانی و رفتاری آنها در نوجوانی دارد (۲۸). نتایج پژوهش موسوی،

حس ناامنی در آنها می‌گردند و در نتیجه کودک در ارتباط مؤثر با دیگران مشکلاتی خواهد داشت. طرد کودک از سوی والدین، بر ادراک او از خود و دیگران تأثیر گذاشته و مانع برقراری یک رابطه مؤثر با دیگران می‌گردد (۱۶). همچنین، وقتی والدین از راهبردهای منفی (مانند پرخاشگری کلامی و فیزیکی) برای حل تعارض زناشویی استفاده کنند و یا این که تمایل داشته باشند خواسته‌های خود را به فرزندان تحمیل کنند، ممکن است این باور را در فرزندشان پیروانند که همسالان هم باید همچنین به خواسته‌های آنها جامعه عمل پوشانند در غیر این صورت با تهدید به طرد آنها به خواسته‌های خود دست می‌یابند و یا این که به دلیل تکرار استفاده از راهبردهای ناکارآمد در برخورد با همسالان برای برآورده ساختن نیازهای خود از سوی آنها طرد می‌شوند (۱۷). این عدم پذیرش از سوی همسالان منجر به خشم و سرخوردگی و استفاده از رفتار پرخاشگرانه بیشتر می‌گردد (۱۸). کودکانی که از سوی والدین طرد می‌شوند، مورد غفلت قرار می‌گیرند و یا شاهد اختلاف والدین هستند، با احتمال بیشتری رفتار پرخاشگرانه نشان می‌دهند. والدین غافل نسبت به نیازهای کودک بی‌توجه هستند و انتظارات کمی از فرزندانشان دارند. یکی از دلایل پرخاشگری این کودکان برای این است که مورد توجه والدین واقع شوند (۱۹). کیفیت تعامل والد-فرزند در چگونگی بررسی و تفسیر کودک از جهان اطرافش هم تأثیرگذار است (۲۰). کودک بر اساس تجربه‌های اولیه در برخورد با دیگران نیت آنها را تفسیر می‌کند؛ بدین گونه که، وقتی کودکی تجربه‌های اولیه خوبی با والدین نداشته باشد، در برخورد با دیگران و برداشت رفتارشان، به‌ویژه اگر مبهم باشد نیت پرخاشجویانه و یا نیکوکارانه آنها واضح نباشد، گرایش به تفسیر اشتباه رفتار دارد و واکنشی خصمانه نشان می‌دهد (۱۸).

توافق چشم‌گیری در بسیاری از مطالعات وجود دارد که تعامل مطلوب خانواده با سازش‌یافتگی فرزندان همراه است. تجربه‌های اولیه خوب با پدر و مادر در سایه محیط خانوادگی

مادر- کودک، کاهش یا فقدان توجه و محبت مادرانه و عدم تأیید کودک رابطه مثبت و معناداری با رفتار پرخاشگرانه کودک دارد. افزون بر این نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تعامل نامطلوب مادر- کودک پیش‌بینی کننده قوی پرخاشگری کودکان است. ترناس، آسانا، آلیورز و سابرا (۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ایجاد الگوی نامناسب تعاملات والدین با فرزند، بی‌ثباتی در خانواده، عدم حمایت و محبت، استفاده از نظم و انضباط پرخاشگرانه که با سطح پایینی از استدلال و سطح بالایی از پرخاشگری فیزیکی، کلامی و عاطفی همراه است با بروز رفتار پرخاشگرانه در کودکان رابطه دارد. در همین راستا، موری و همکاران (۲۰) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که کیفیت تعامل پدر- دختر و مادر- دختر با سطوح پایین‌تری از پرخاشگری دختران همراه بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد تعاملی که دخترها به‌طور مشترک با هر دو والد خود دارند، پیش‌بینی کننده قوی‌تر پرخاشگری است. پوپو و ایلسانمی (۱) نشان داده‌اند که تعامل منفی والد- فرزند که منجر به کاهش نظارت فرزند، نظم و انضباط تنبیهی بیشتر و مشارکت کمتر در فعالیت‌های فرزند می‌شود، باعث افزایش رفتارهای ضداجتماعی چون پرخاشگری فرزند می‌شود.

نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که پرخاشگری دارای عوارض جسمی، روانی و اجتماعی فراوان می‌باشد و موجب مشکلاتی مانند احساس درماندگی، تنهایی، سازش نیافتگی اجتماعی، بزهکاری، زخم معده، میگرن و اختلال فشارخون می‌گردد (۳۹، ۱۷، ۴۰ و ۴۱). همچنین آنها به‌طور مرتب دستخوش تجربه‌های دشوار پیچیدگی‌های درونی مانند افسردگی، اضطراب، انزوا و افکار خودکشی قرار می‌گیرند (۳). به سبب اهمیت موضوع، با توجه به نقش حساس والدین در شکل‌گیری مشکلات رفتاری چون پرخاشگری و با توجه به این که پرخاشگری یک پدیده مخرب، صدمه‌آور و رفتاری خصومت‌انگیز است که آثار مخرب آن در سطح

مظاهری و قلبی (۲۹) نیز حاکی از آن است که رابطه والدین با دختران تأثیر بسیاری در سازش‌یافتگی روان‌شناختی آنها در بزرگسالی دارد ولی نقش پدران در این زمینه بارزتر است. در واقع، دخالت عاطفی پدران با فرزندان خود به عنوان سپری در برابر تنش و استرس دختران عمل می‌کند. به‌طور کلی به نظر می‌رسد در صورتی که پدر حساس، حمایتگر، گرم، و نزدیک باشد و محیط امنی را برای فرزندان فراهم کند، عشق پدر به شدت عشق مادر در سلامت روانی و کاهش مشکلات رفتاری (۳۰)، روابط مثبت با همسالان، رفتارهای پرخاشگرانه کمتر، درگیری کمتر و روابط متقابل بهتر (۳۱) نقش دارد. موری و کیمورا<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) معتقدند که این تفاوت بدین علت است که پدران معمولاً زمان بیشتری را با دختران خویش می‌گذرانند و رابطه پدر- دختر صمیمی‌تر از رابطه مادر- دختر است. همچنین ایشی- کونتز<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) بر این باورند که دختران عاطفه بیشتری نسبت به پدران خود دارند و به همین دلیل بیشتر تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند (به نقل از ۲۹).

مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور با هدف بررسی نقش نوع رابطه والدین با فرزندان در تبیین پرخاشگری کودکان صورت گرفته است. نتایج این یافته‌ها بیانگر آن است که کیفیت رابطه مطلوب و مناسب والدین با فرزندان منجر به کاهش پرخاشگری کودکان می‌شود (۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷). در همین راستا نتایج پژوهش همایونی، ماریانی، یاکوب و ابوطالب (۳) نشان داد که بین کیفیت تعامل والد- فرزند با پرخاشگری و ابعاد آن (پرخاشگری کلامی، جسمانی، خشم، و خصومت) رابطه منفی معناداری وجود دارد. نقش پدران در پرخاشگری بسیار مهم است، اما رابطه قوی‌تری بین تعامل ضعیف مادر- فرزند با پرخاشگری فرزندان وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که تعامل هر دو والد با فرزند پیش‌بینی کننده پرخاشگری فرزندان است. همچنین پیوسته گر (۳۸) در پژوهش خود نشان داد که روابط متقابل آسیب‌زا و داشتن روابط بین‌فردی معیوب و نامطلوب

2. Ishii- Kots

1. Murray &amp; Kimura

سه منطقه به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر یک از مناطق انتخاب شده، یک مدرسه دخترانه به تصادف انتخاب گردید.

### (ب) ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شد:

۱. پرسشنامه رابطه والد-فرزند فاین، ارمورلند، و اندرو شوبل<sup>۱</sup> (۱۹۸۳): جهت سنجش ارتباط والدین با فرزندان از این پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال (۲۴ سؤال برای رابطه با پدر و ۲۴ سؤال برای رابطه با مادر) است که دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر. هر دو فرم مقیاس یکسان است، به جز این که کلمه «پدر» و «مادر» عوض می‌شوند. با این حال عوامل مختلف در فرم‌های مربوط به پدر و مادر بارز شده است. این عوامل برای پرسشنامه پدر عبارت هستند از: عاطفه مثبت<sup>۲</sup>، آمیزش پدرانه، ارتباط یا گفت‌و شنود، و خشم؛ و برای پرسشنامه مادر عبارت هستند از: عاطفه مثبت، آزرده‌گی / سردرگمی نقش، همانندسازی، ارتباط یا گفت‌و شنود. نمره کل عبارت از جمع میانگین‌های خرده‌مقیاس‌ها است. مقیاس تعامل ولی - فرزندی با ضریب آلفای ۰/۸۹. تا ۰/۹۴. برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به پدر و ضرایب آلفای ۰/۶۱. تا ۰/۹۴. برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶.، از همسانی درونی بالای سؤالات برخوردار است. روایی مقیاس تعامل ولی - فرزندی از گروه‌های شناخته شده و روایی پیش‌بین خوب بهره‌مند است و فرزندان خانواده‌های طلاق و یکپارچه را به‌طور معناداری از هم متمایز می‌کند (۴۲). در پژوهش حاضر نیز جهت تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار ضرایب آلفا برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به پدر ۰/۷۹. تا ۰/۹۱. و ضرایب آلفا ۰/۶۱. تا ۰/۹۱. برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز ضریب آلفای ۰/۹۲٪ برای رابطه کلی والدین به‌دست آمد.

فردی و اجتماعی نمایان است و همچنین به دلیل وجود خلاء پژوهشی در این زمینه، مانند: تمرکز بیشتر بر پسران در مقایسه با دختران، تمرکز بیشتر بر نقش مادر و غافل بودن از نحوه تعامل پدر، مطالعه علمی پرخاشگری و شناسایی عوامل برانگیزاننده آن، ضرورت تحقیق حاضر مشخص می‌گردد. در ضمن علت انتخاب کودکان این گروه سنی به این دلیل بوده است که کودکان سنین اواخر کودکی و اوایل نوجوانی نسبت به محیط نامناسب خانواده و بی‌توجهی والدین آسیب‌پذیرتر هستند و دوران دبستان سال‌های مناسبی برای تشخیص مشکلات کودکان و مداخله بهنگام برای کاهش و پیشگیری از مشکلات عاطفی، رفتاری، شخصیتی و اجتماعی آنان است. در این راستا پژوهش حاضر در صدد پاسخدهی به این مسئله اساسی است که آیا بین رابطه والدین با فرزندان و پرخاشگری کودکان رابطه وجود دارد؟ آیا رابطه والدین با فرزندان می‌تواند پرخاشگری کودکان را پیش‌بینی کند؟ چه بسا با آگاهی والدین از نقش مؤثر و اساسی خود در پرخاشگری فرزندان، در صدد اصلاح الگوی ارتباطی خود با اعضای خانواده برآیند. تا توانسته باشد کمکی برای گسترش تحقیقات پیشین باشد.

### روش

**الف) طرح مطالعه و شرکت کنندگان:** پژوهش حاضر توصیفی - مقطعی با روش همبستگی در قالب طرح پیش‌بین است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مشغول به تحصیل در دبستان‌های دولتی شهر ساری در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ است که تعداد آنها ۱۳۵۸ دانش‌آموز است. از این جامعه، تعداد ۲۵۴ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. بدین صورت که پس از دریافت آمار کل دبستان‌های دخترانه از آموزش و پرورش شهر ساری، ابتدا شهر ساری به ۵ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تقسیم شد. سپس در مرحله بعد

2. Positve affect

1. Fine, Moreland & Schwbel

ضریب آلفای کرونیباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ و ضریب آلفای کرونیباخ برای پرخاشگری جسمانی، رابطه‌ای و واکنشی کلامی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۹۰ و ۰/۸۲. به دست آمد (۴۳).

### یافته‌های پژوهش

جهت بررسی رابطه والدین و فرزندان با پرخاشگری کودکان و ابعاد آن، ابتدا پیش فرض‌های آزمون ضریب همبستگی مورد ارزیابی قرار گرفت. از آنجا که تعداد گروه نمونه بیشتر از ۲۰۰ نفر بود، توزیع نمرات گروه نمونه نرمال در نظر گرفته شد. در گام بعدی، پیش فرض‌های خطی بودن و غیرخطی بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نمودارهای پراکنش حاکی از خطی بودن داده‌ها بود. به همین جهت، برای تحلیل رابطه متغیرهای رابطه والدین با فرزندان و پرخاشگری، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

۲. پرسشنامه پرخاشگری شهیم برای کودکان دبستانی: برای بررسی پرخاشگری از این پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه چهار گزینه‌ای در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای و آشکار و دارای سه زیر مقیاس پرخاشگری جسمانی (۷ گویه)، پرخاشگری واکنشی کلامی و پیش فعال (۶ گویه) و پرخاشگری رابطه‌ای (۸ گویه) است که توسط معلم تکمیل می‌شود. شهیم این پرسشنامه را بر روی ۵۰۶ دانش آموز دبستانی شهر شیراز اجرا کرد و پایایی و روایی آن را مورد بررسی قرار داد. ضریب آلفای کرونیباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ و بسیار مطلوب به دست آمد. ضریب آلفای کرونیباخ برای پرخاشگری جسمانی، رابطه‌ای و واکنشی کلامی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۹ و ۰/۸۳ است. ارزیابی روایی این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عامل با محور اصلی و به دنبال آن چرخش مایل گویه‌ها، منجر به استخراج سه عامل با ارزش ویژه بیشتر از یک گردید و ۰/۵۹ واریانس را تبیین نمود. در پژوهش حاضر به منظور تعیین پایایی از روش آلفای کرونیباخ استفاده گردید.

جدول ۱: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه متغیرهای تعامل والد-فرزند و پرخاشگری

متغیر	پرخاشگری جسمانی	پرخاشگری رابطه‌ای	پرخاشگری واکنشی	پرخاشگری کل
عاطفه مثبت پدر	۰/۴۵**	۰/۵۱**	۰/۵۶**	۰/۶۰**
آمیزش پدرانه	۰/۳۸**	۰/۵۵**	۰/۶۳**	۰/۶۴**
گفت و شنود	۰/۳۶**	۰/۵۰**	۰/۵۷**	۰/۵۹**
رابطه با پدر	۰/۴۴**	۰/۵۶**	۰/۶۲**	۰/۶۵**
عاطفه مثبت مادر	۰/۵۷**	۰/۵۸**	۰/۶۴**	۰/۷۰**
آزردگی	۰/۲۲**	۰/۲۷**	۰/۳۳**	۰/۳۳**
هماندسازی	۰/۴۴**	۰/۴۴**	۰/۵۷**	۰/۵۷**
گفت و شنود	۰/۴۳**	۰/۵۲**	۰/۵۹**	۰/۶۲**
رابطه با مادر	۰/۵۷**	۰/۵۸**	۰/۶۷**	۰/۷۲**
رابطه با والد	۰/۵۸**	۰/۶۶**	۰/۷۴**	۰/۷۹**

بودند. بنابراین، یافته‌ها از فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط رابطه والد-فرزند با پرخاشگری کودکان حمایت کردند. پس از بررسی و تایید پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون مبنی بر وجود رابطه خطی میان متغیرهای مستقل و وابسته، برای بررسی

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، یافته‌ها دال بر همبستگی منفی و معنادار بین رابطه پدر-فرزند، رابطه مادر-فرزند و رابطه والدین-فرزند با پرخاشگری جسمی، پرخاشگری رابطه‌ای، پرخاشگری واکنشی و پرخاشگری کلی

قابلیت پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان از روی رابطه والد-فرزند، از آزمون رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان استفاده شد.

جدول ۲: شاخص‌های تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) جهت بررسی معناداری کل مدل رگرسیون

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	P	R	R <sup>2</sup>	SE
رگرسیون	۲۲/۷۰۶	۴	۵/۶۷۷	۶۱/۹۵۱	۰/۰۰۰	۰/۷۰۸	۰/۵۰۱	۰/۳۰۳
باقیمانده	۲۲/۶۳۳	۲۴۷	۰/۰۹۲					
کل	۴۵/۳۳۹	۲۵۱						

متغیر پیش‌بینی کننده: عاطفه مثبت پدر، آمیزش پدرانه، گفت‌وشنود با پدر، خشم‌متغیر ملاک: پرخاشگری

حدود ۵۰ درصد از واریانس متغیر ملاک توسط متغیر پیش‌بین قابل پیش‌بینی است.

نتایج تحلیل رگرسیون جدول ۲ با شیوه ورود همزمان نشان می‌دهد که ابعاد رابطه با پدر پیش‌بین معناداری برای پرخاشگری هستند. مقدار مجذور همبستگی نشان می‌دهد که

جدول ۳: شاخص‌های تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان

متغیر	ضرایب استاندارد نشده B	خطای معیار	ضرایب استاندارد شده $\beta$	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲/۸۲۷	۰/۰۹۵		۲۹/۶۹۹	۰/۰۰۰
عاطفه مثبت پدر	-۰/۰۱۳	۰/۰۰۳	-۰/۳۳۳	-۵/۰۴۲	۰/۰۰۰
آمیزش پدرانه	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۵	-۰/۳۰۱	-۳/۲۳۹	۰/۰۰۱
گفت‌وشنود با پدر	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	-۰/۰۹۹	-۱/۱۴۸	۰/۲۵۲
خشم	-۰/۰۱۷	۰/۰۱۱	-۰/۰۷۷	-۱/۵۲۸	۰/۱۲۸

تغییرات مرتبط با پرخاشگری را در افراد گروه نمونه پیش‌بینی نمایند.

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، متغیرهای عاطفه مثبت پدر و آمیزش پدرانه قادرند با ۹۹ درصد اطمینان

جدول ۴: شاخص‌های تحلیل واریانس یک‌راهه جهت بررسی معناداری کل مدل رگرسیون

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	P	R	R <sup>2</sup>	SE
رگرسیون	۲۲/۲۹۳	۴	۵/۵۷۳	۶۶/۸۳۸	۰/۰۰۰	۰/۷۲۱	۰/۵۲۰	۰/۲۸۹
باقیمانده	۲۰/۵۹۶	۲۴۷	۰/۰۸۳					
کل	۴۲/۸۸۹	۲۵۱						

متغیر پیش‌بینی کننده: عاطفه مثبت مادر، آزردهی / سردرگمی نقش، همانندسازی، گفت‌وشنود با مادر متغیر ملاک: پرخاشگری

نتایج تحلیل رگرسیون با شیوه ورود همزمان در جدول ۴ که به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای رابطه با مادر و ابعاد آن بر واریانس پرخاشگری انجام گرفت نشان می دهد که ۵۲ درصد از واریانس متغیر ملاک توسط متغیر پیش بین قابل پیش بینی است.

جدول ۵: شاخص های تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان

متغیر	ضرایب استاندارد نشده B	خطای معیار	ضرایب استاندارد شده $\beta$	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳/۲۳۱	۰/۱۲۲		۲۶/۵۶۲	۰/۰۰۰
عاطفه مثبت مادر	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۳	-۰/۶۰۹	-۵/۱۱۹	۰/۰۰۰
آزردگی/سردرگمی نقش	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	-۰/۰۸۳	-۱/۷۳۱	۰/۰۸۳
هماندسازی	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	-۰/۰۵۳	-۰/۷۴۰	۰/۴۶۰
گفت و شنود با مادر	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	-۰/۰۴۴	-۰/۴۶۸	۰/۰۶۴۰

همان گونه که در جدول ۵ ملاحظه می شود، آماره های t نشان می دهند که متغیر عاطفه مثبت مادر قادر است با اطمینان ۹۹ درصد تغییرات مرتبط با پرخاشگری کودکان گروه نمونه را پیش بینی نماید.

جدول ۶: شاخص های تحلیل واریانس یک راه جهت بررسی معناداری کل مدل رگرسیون

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	P	R	R <sup>2</sup>	SE
رگرسیون	۲۹/۱۹۷	۲	۱۴/۵۹۸	۲۲۴/۹۵۱	۰/۰۰۰	۰/۸۰۲	۰/۶۴۴	۰/۲۵۵
باقیمانده	۱۶/۱۵۹	۲۴۹	۰/۰۶۵					
کل	۴۵/۳۵۶	۲۵۱						

متغیر پیش بینی کننده: رابطه با پدر، رابطه با مادر متغیر ملاک: پرخاشگری

نتایج تحلیل رگرسیون با شیوه ورود همزمان در جدول ۶ نشان می دهد که این متغیرها پیش بین معناداری برای پرخاشگری هستند. مقدار مجذور همبستگی نشان می دهد که حدود ۶۴ درصد از واریانس متغیر ملاک توسط متغیر پیش بین قابل پیش بینی است.

جدول ۷: شاخص های تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان

متغیر	ضرایب استاندارد نشده B	خطای معیار	ضرایب استاندارد شده $\beta$	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳/۶۶۶	۰/۱۰۶		۳۴/۵۴۲	۰/۰۰۰
رابطه با پدر	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	-۰/۳۸۹	-۸/۵۷۶	۰/۰۰۰
رابطه با مادر	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۱	-۰/۵۱۹	-۱۱/۴۴۳	۰/۰۰۰



(۵) در مطالعات خود نشان داده‌اند که بین تعامل مناسب و توأم با صمیمیت و در عین حال، مهار منصفانه و واقع‌بینانه والدین با پر خاشگری جسمی، پر خاشگری کلامی و پر خاشگری کل فرزندان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین در این راستا، ترناس، آسانا، آلپوز و سابرا (۱۲) هم در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ایجاد الگوی نامناسب تعاملات والدین با فرزند، بی‌ثباتی در خانواده، عدم حمایت و محبت، استفاده از نظم و انضباط پر خاشگرانه که با سطح پایینی از استدلال و سطح بالایی از پر خاشگری فیزیکی، کلامی و عاطفی همراه است با بروز رفتار پر خاشگرانه در کودکان رابطه دارد.

تبیین این رابطه به مدد برخی از نظریه‌های معروف روان‌شناسی امکان‌پذیر است. به عنوان مثال با استناد به نظریه دلبستگی می‌توان گفت که پدر و مادر به عنوان وسیله تبادل عاطفی کلامی و غیر کلامی می‌باشند. در این نظریه تمرکز بیشتر بر توانایی والدین در پاسخ‌گویی به نیازهای کودک، امنیت، گرما، حساس بودن و به نحوه پاسخ‌گویی والدین توجه شده است. بنابراین والدین می‌توانند با به کارگیری رابطه محبت‌آمیز با کودک و استفاده از کلمه‌ها و حرکتهایی که نشان‌دهنده پذیرش کودک است، پاسخ‌گو و متعهد بودن به نیازها و ارزش‌های فرزند، استفاده از لحن مثبت و سرشار از عاطفه و عدم تحقیر، انتقاد صریح و سرزنش کودک، تعاملی سالم و باکیفیت با فرزندشان برقرار کنند. هنگامی که کودک احساس می‌کند درک شده است، احساس تعلق و دوست‌داشتنی بودن می‌کند، عشق آنها به پدر و مادر عمیق‌تر شده، ارزش‌ها و هنجارهای والدین را درونی می‌کند، احساسات و مشکلات خود را بیان می‌کند و در مواجهه با تعارضات از آنها راهنمایی و دلگرمی می‌طلبد. همچنین در تعاملات نزدیک والدین با فرزند، رفتار فرزند به آسانی قابل مشاهده است و والدین آشنایی بیشتری با رفتارها و احساسات فرزند خود پیدا کرده و در صورت لزوم راهنمایی لازم را مبذول می‌دارند. از سوی دیگر می‌توان این‌گونه استنباط کرد

همان‌گونه که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، ضرایب تأثیر رابطه با پدر ( $\beta = -0/389$ )، و رابطه با مادر ( $\beta = -0/519$ ) با توجه به آماره‌های  $t$  نشان می‌دهند که متغیرهای رابطه با پدر و مادر قادرند با ۹۹ درصد اطمینان تغییرات مرتبط پر خاشگری را در دانش‌آموزان گروه نمونه پیش‌بینی نمایند. بدین ترتیب، یافته‌ها از این فرضیه پژوهش نیز، مبنی بر توانایی پیش‌بینی پر خاشگری کودکان از روی رابطه والدین با فرزندان حمایت کردند.

### بحث و نتیجه‌گیری

اساسی‌ترین و مهم‌ترین دوران رشد روانی هر انسانی دوره کودکی محسوب می‌شود و والدین اولین افرادی هستند که شکل‌گیری رفتار کودک را پایه‌ریزی می‌کنند. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نوع رابطه والدین با فرزندان در تبیین پر خاشگری کودکان در میان دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی شهر ساری انجام شده است. در زیر به بررسی و تبیین این نتایج پرداخته شده است:

نتایج تحلیل همبستگی پژوهش حاضر حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین پر خاشگری جسمی، رابطه‌ای، واکنشی و پر خاشگری کلی و تعامل با پدر و خرده‌مقیاس‌های عاطفه مثبت پدر، آمیزش پدرانه، گفت‌و شنود با پدر، خشم و رابطه با پدر بود. همچنین بین پر خاشگری جسمی، رابطه‌ای، واکنشی و پر خاشگری کلی فرزندان با تعامل با مادر و خرده‌مقیاس‌های عاطفه مثبت مادر، آزرده‌گی / سردرگمی نقش، همانندسازی، گفت‌و شنود، رابطه با مادر و رابطه با والدین نیز همبستگی منفی و معنادار دیده شد. بدین ترتیب، یافته‌ها از فرضیه اول پژوهش مبنی بر ارتباط رابطه والد-فرزند با پر خاشگری کودکان حمایت کردند. به این معنا که با افزایش تعامل والد-فرزند از میزان پر خاشگری فرزندان کاسته می‌شود. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از پژوهش‌های خارجی و داخلی از جمله (۳۴، ۳۵، ۳۶، ۱۲، ۲۰، ۱، ۳، ۳۸ و ۳۳) همسو است. به طور مثال آهنگرانزایی، شریفی در آمدی و فرج‌زاده

در جهت تبیین این فرضیه می توان گفت که خانواده به عنوان واحد پرورش کودک است. کودک ابتدا آموزش را از خانواده اش یاد می گیرد و رفتار و نگرش های اجتماعی او بازتابی از رفتارها و باورهایی است که از والدین خود دریافت می کند. به طوری که در تعاملات صمیمانه و گرم والد-فرزندی، زمانی که فرزندان احساس کنند بدون قضاوت و تحقیر شدن به صحبت های آنها گوش داده می شود، بیشتر تمایل به صحبت در مورد نگرانی ها، عقاید، احساسات و نیازهای خود دارند. بنابراین والدین نسبت به نیازهای کودک شناخت بیشتری می یابند، بهتر می توانند ارزش ها و هنجارهای خانواده و جامعه و همچنین الگوهای مناسب را منتقل کنند، در تصحیح الگوهای رفتاری نادرست کودک با وی مشارکت کنند و از این طریق پایه محکمی برای تحول مهارت های مهم هیجانی و رفتاری برای کودک فراهم می کنند. بالعکس کودکانی که تعامل منفی و پر از تعارض با والدین خود دارند و پرخاشگری والدین را تجربه و مشاهده می کنند، به ویژه در شرایطی که رفتارهای پرخاشگرانه نتیجه بخش بوده باشد، بر اساس مشاهده های خود فرضیه می سازند و یاد می گیرند که رفتار پرخاشگرانه یک روش قدرتمند برای مقابله با دیگران و برآوردن خواسته هایشان است؛ بنابراین احتمال بروز پرخاشگری در این کودکان بیشتر است. از سوی دیگر، خانواده هم کانون محبت و هم مرکز انضباط و اقتدار است. خانواده هایی که می توانند رابطه قوی مثبت با فرزندان شان ایجاد کنند، نظارت بهتری نیز بر رفتارهای آنها خواهند داشت. هر چه تعامل و صمیمیت میان والدین با کودک بیشتر باشد، میزان مهارت های هم بیشتر است، چارچوب های انضباطی و محدودیت هایی اعمال می شود و انتظارات مثبت و سازنده به فرزندان آموزش داده می شود. بنابراین در چنین محیطی از میزان رفتار پرخاشگرانه فرزندان کاسته می شود.

پژوهش حاضر با محدودیت هایی هم روبه رو بود. از جمله این که پژوهش بر روی گروهی از دانش آموزان دختر مقطع پنجم ابتدایی شهر ساری که در خانواده های هسته ای زندگی

که پرخاشگری در کودکان، نتیجه همانند سازی و الگوگیری از والدین است. کودک رفتاری ایجاد می کند که قبلاً بزرگ ترها آن رفتار را انجام داده اند. در واقع کودکان راهبردهای حل تعارض در روابط خود با همسالان و دیگران را شبیه آن رفتاری انجام می دهند که والدین در تعامل خود با فرزند و با یکدیگر استفاده کرده اند. بنابراین، هر اندازه تعامل والد-فرزند سالم تر باشد، در فرزندان اشتیاق ابراز رفتارهای اجتماعی قابل قبولی ایجاد می شود، از میزان پرخاشگری آنها کاسته می شود و آنها روابط متقابل و عاری از خصومت و پرخاشگری را با والدین و دیگران خواهند داشت.

نتایج داده های پژوهش حاضر همچنین نشان می دهد که ۶۴٪ واریانس مربوط به پرخاشگری کودکان، توسط رابطه با پدر و رابطه با مادر قابل پیش بینی هستند. علاوه بر این، نگاهی به ضرایب رگرسیون حاکی از آن دارد که ضرایب تأثیر تعامل با پدر ( $\beta = -0/389$ )، و تعامل با مادر ( $\beta = -0/519$ ) قادر است با ۹۹ درصد اطمینان پرخاشگری را در کودکان گروه نمونه پیش بینی نماید. بدین ترتیب، یافته ها از فرضیه دوم پژوهش حاضر، مبنی بر توانایی پیش بینی پرخاشگری کودکان از روی رابطه والد-فرزند حمایت کردند. این یافته ها با نتایج بسیاری از پژوهش های خارجی و داخلی از جمله (۳۴، ۳، ۲۰، ۳۷، ۴۴، ۳۲، ۳۸، و ۳۳) همسو است. این پژوهش ها نشان دادند که کیفیت تعامل والد-فرزند قادر است پرخاشگری فرزندان را به طور معناداری پیش بینی کند. به عنوان مثال، پیوسته گر (۳۸) در پژوهش خود در میان ۲۳۷ دانش آموز ۹-۱۱ ساله نشان داد که روابط متقابل آسیب زو داشتن روابط بین فردی معیوب و نامطلوب مادر-کودک، کاهش یا فقدان توجه و محبت مادرانه و عدم تأیید کودک پیش بینی کننده قوی پرخاشگری کودکان است. مطالعه موری و همکاران (۲۰) نیز در این زمینه نشان می دهد که پرخاشگری کودکان هم توسط تعامل مادر-فرزند و هم توسط تعامل پدر-فرزند قابل پیش بینی است. همچنین تعامل با هر دو والد پیش بینی کننده قوی تر پرخاشگری کودکان است.

است پاسخ ها تا حدی تحت تأثیر مطلوبیت اجتماعی قرار گرفته باشند که بر نتایج تأثیر می گذارد و نتایج آن قابل تعمیم به پژوهش هایی که از ابزار دیگر استفاده کرده اند، نمی باشد. بنابراین پیشنهاد می شود برای افزایش قدرت آماری و قابلیت اطمینان از یافته ها برای جمع آوری اطلاعات از روش های دیگر چون مصاحبه یا مطالعه کیفی استفاده شود.

**تشکر و قدردانی:** از تمامی دانش آموزان و معلمان که در این پژوهش شرکت کرده اند و همچنین از مسئولان آموزش و پرورش نواحی شهر ساری که ما را در پیشبرد این طرح پژوهشی یاری نموده اند تشکر و قدردانی به عمل می آید

می کردند انجام شد. از این رو نتایج حاصل قابلیت تعمیم به کودکان و نوجوانان پسر و آنهایی که در دیگر شکل های خانواده ها (خانواده تک والد، گسترده، طلاق و ازدواج مجدد والدین و ...) زندگی می کنند، ندارد. از این رو پیشنهاد می شود پژوهشی مشابه این پژوهش بر روی دانش آموزان پسر و بر روی نمونه متنوع تر از دیگر خانواده های مختلف انجام گرفته و یافته های آن با یافته های حاضر مقایسه شود. از دیگر محدودیت های پژوهش حاضر اتکا به داده های حاصل از پرسشنامه خود گزارش دهی (در این پژوهش از سه پرسشنامه خود گزارش دهی استفاده شده است) بود که در این سبک جمع آوری اطلاعات، شرکت کننده احتمالاً در بیان هیجان ها و شناخت های خود دشواری خواهد داشت. علاوه بر این، ممکن

## References

1. Popov LM, Ilesanmi RA. Parent-Child Relationship: Peculiarities and Outcome. Review of European Studies. 2015; 7(5):253.
2. Carnes-Holt K. Child-Parent Relationship Therapy for Adoptive Families. The Family Journal. 2012; 20(4):419-26.
3. Homauni M, Mariani BM, Yaacob SN, AbuTalib M. Parent-child relationship and aggression among adolescents in Tehran, Iran. Life Science Journal. 2014; 11(9):766-70.
4. Zorofi M. The relationship between family structure and behavioral disorders (master's thesis). Faculty of Psychology, Shabestar University; 2001. [Persian].
5. Ahangaranzabi A, Sharifidaramadi P, Farajzadeh R. The relationship between parenting styles and adolescent's aggression in shabestar city. Journal of cognitive and behavioral sciences. 2011; 1(2):1-8. [Persian].
6. Ahadi S, Hejazi M, Entesar Fomany G. The relationship between parenting styles and adolescent's identity and aggression. Indian Journal of fundamental and applied life sciences. 2014 ;(4):1171-8.
7. Yaacob NRN, Siew HS. Mother working status and physical aggressive behavior among children in Malaysia. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2010; 5:1061-1066.
8. Rahmati MM, Momtaz O. Does Frustration Cause Aggression? Case Study: Soccer Fans in Iran. International Research Journal of Applied and Basic Sciences. 2013;(4):3028-35.
9. Abolmaali K, Mosavizadeh M. Aggressive, nature, causes and prevention (with annexand aggressivepreventofIslam nature). Tehran: Arjmand; 2012. [Persian].
10. Singh S, Lundy M, Haymes MV de, Caridad A. Mexican Immigrant Families: Relating Trauma and Family Cohesion. J Poverty. 2011, 1; 15(4):427-43.
11. Dewi KS, Prihatsanti U, Setyawan I, Siswati. Children's Aggressive Behavior Tendency in Central Java Coastal Region: The Role of Parent-Child Interaction, Father's Affection and Media Exposure. Procedia Environ Sci. 2015; 23:192-8.
12. Trenas AFR, Osuna MJP, Olivares RR, Cabrera JH. Relationship between Parenting Style and Aggression in a Spanish Children Sample. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2013; 82:529-36.
13. Ellis ML, Weiss B, Lochman JE. Executive functions in children: associations with aggressive behavior and appraisal processing. J Abnorm Child Psychol. 2009; 37(7):945-56.
14. Xu Y, Farver JAM, Zhang Z. Temperament, harsh and indulgent parenting, and Chinese children's proactive and reactive aggression. Child Dev. 2009; 80(1):244-58.
15. Brotman LM, O'Neal CR, Huang K-Y, Gouley KK, Rosenfelt A, Shrout PE. An experimental test of parenting practices as a mediator of early childhood physical aggression. J Child Psychol Psychiatry. 2009; 50(3):235-45.
16. Heshmati A, Yazdkhasti F, Molavi H. The relationship between temperament and perceived parental acceptance-rejection and aggressive behaviors in deaf and hearing students in Isfahan. UI Journals System. 2012, 15; 2(1):27-42. [Persian].
17. Marshall NA. Does Parenting Predict Child Relational Aggression? (Master's thesis). Clinical Psychology Faculty, University of Massachusetts Amherst; 2011.
18. Pei M. The Relation between Parent-Child Attachment, Child-Rearing Behaviors, and Aggression in Childhood and Adolescence (Master's thesis). The Faculty of the Graduate School of Arts and Sciences- Department of Psychology, Brandeis University; 2011.
19. Renzetti CM, Edleson JL. Parenting Practices and Violence, Youth Violence. Thousand Oaks, CA: SAGE Knowledge onlin; 2008. <http://knowledge.sagepub.com/view/violence/n360.xml>
20. Murray KW, Dwyer KM, Rubin KH, Knighton-Wisor S, Booth-LaForce C. Parent-child relationships, parental psychological control, and aggression: maternal and paternal relationships. J Youth Adolesc. 2014; 43(8):1361-73.
21. Kroner-Herwig Maas J, Reckling P. Self-Esteem in a German Population Sample of Children and Adolescents: Association with Demographic and Psychosocial Variables. Journal of Child and Adolescent Behaviour. 2014; 2(4):2-10.

22. Church II WT, Tomek S, Bolland KA, Hooper LM, Jagers J, Bolland JM. A longitudinal examination of predictors of delinquency: An analysis of data from the Mobile Youth Survey. *Child Youth Serv Rev.* 2012; 34(12):2400–8.
23. Williams LR, Steinberg L. Reciprocal relations between parenting and adjustment in a sample of juvenile offenders. *Child Dev.* 2011; 82(2):633–45.
24. Bronte-Tinkew J, Moore KA, Carrano J. The Father-Child Relationship, Parenting Styles, and Adolescent Risk Behaviors in Intact Families. *J Fam Issues.* 2006, 1; 27(6):850–81.
25. Shek DTL. Paternal and maternal influences on the psychological well-being, substance abuse, and delinquency of Chinese adolescents experiencing economic disadvantage. *J Clin Psychol.* 2005; 61(3):219–34.
26. Williams SK, Donald F. Relationships among Involvement, Attachment, and Behavioral Problems in Adolescence: Examining Father's Influence. *J Early Adolesc.* 2005; 25(2):168–96.
27. Fosco GM, Stormshak EA, Dishion TJ, Winter CE. Family relationships and parental monitoring during middle school as predictors of early adolescent problem behavior. *J Clin Child Adolesc Psychol.* 2012; 41(2):202–13.
28. Pakdaman S, Mosavi P, Ghanbari S. quality of attachment to parents and internalizing and externalizing symptoms in adolescents: a comparative investigation about the role of fathers and mothers. 2011; 6(23):15–38. [Persian].
29. Mousavi Ps, Mazaheri A, Ghanbari S. Acceptance of Spouse and Psychological Adjustment of Women: The Mediating Role of Parental Acceptance. *Journal of developmental psychology, Iranian psychologists.* 2012;(32):373–83. [Persian].
30. Howard KS, Lefever JEB, Borkowski JG, Whitman TL. Fathers' influence in the lives of children with adolescent mothers. *J Fam Psychol.* 2006; 20(3):468–76.
31. Thomas PA, Krampe EM, Newton RR. Father Presence, Family Structure, and Feelings of Closeness to the Father among Adult African American Children. *J Black Stud.* 2008; 38(4):529–46.
32. Hasanzadeh M, Yosefi F. The relationship between family communication patterns, aggression and self-esteem of middle school students. In *Islamic Azad University of Marvdasht*; 2011. [Persian].
33. Asadi A. The relationship between parent adolescent conflict and resilience with adolescents psychological problems in four areas of education in Shiraz (Master's thesis). Faculty of Psychology, Islamic Azad University of Marvdasht; 2012. [Persian].
34. Leidy MS, Guerra NG, Toro RI. Positive parenting, family cohesion, and child social competence among immigrant Latino families. *J Fam Psychol.* 2010; 24(3):252–60.
35. Runcan PL, Constantineanu C, Ielics B, Popa D. The Role of Communication in the Parent-Child Interaction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences.* 2012; 46:904–8.
36. Li X. Family Environment and School Environment as Predictors for Physical Aggression in Low-Income Children (Master's thesis). The Graduate College, University of Nebraska; 2012.
37. Dewi KS, Prihatsanti U, Setyawan I, Siswati. Children's Aggressive Behavior Tendency in Central Java Coastal Region: The Role of Parent-Child Interaction, Father's Affection and Media Exposure. *Procedia Environ Sci.* 2015; 23:192–8.
38. Paivastegar M. Predicting Internalizing and Externalizing Problems in 9-11 Years Old Children with respect to Motherless and Cognitive Emotion Regulation Strategies. *J Educ Psychol.* 2011 ;(10):35–56. [Persian].
39. Strachan L, Munroe-Chandler K. Using Imagery to Predict Self-Confidence and Anxiety in Young Elite Athletes. *Journal of Imagery Research in Sport and Physical Activity.* 2006; 1(1):1–19.
40. Wike TL. Carolina Digital Repository - The Effectiveness of a Social Skills Intervention for Preventing Aggression in Children: An Evaluation of the Making Choices Intervention (Doctoral dissertation). University of North Carolina at Chapel Hill; 2011.
41. Ekinçi O, Topcuoglu V, Bez Y, Sabuncuoglu O, Berkem M. Aggression during Early Childhood: Associated Factors in a Clinical Sample. *Marmara Medical Journal.* 2011; 24(3):174–80.
42. Sanaei B, Alaghband S, Homan A. Measures of family and marriage Measure. Tehran: Besat; 2009. [Persian].

43. Shahim S. Obvious and relational aggression among school children. *Psychological research*. 2006; 9(17):27-44. [Persian].
44. Gharehbaghie F. The role of marital conflict and parent-child relationship in emotional and behavioral Pathological symptoms of children. *Psychological Research*. 2010; 3(25):89-108. [Persian].

## The Associations between Parent-Child Relationship and Aggressive Behavior among Students

Fereshteh mirzaei<sup>1</sup>, Iraj Shakerinia<sup>2</sup>, Farhad Asghari<sup>3</sup>

Received: June 03, 2015

Accepted: October 15, 2015

### Abstract

**Background & purpose:** Positive parent-child relationship has an important role in children's academic, social, and behavioral adaptations. Present study aimed to investigate the associations between parent-child relationship and aggressive behaviors among students.

**Method:** Present research was a correlational study with predictive design. The study population consisted of all female fifth graders who were studying in public schools of Sari city in 1393-94 academic year. The sample consisted of 254 students that were selected using random cluster sampling method. Data was collected using Parent-child relationship Survey (Fine, Moreland, and schwebel, 1983) and Shahim Aggression questionnaire for children (1385) and analyzed using Pearson correlation coefficient test and multiple regression analysis.

**Results:** Results of Pearson correlation coefficient test revealed significant negative correlations between parent-child relationship and aggressive behavior among students ( $r = -0.79$ ,  $p < 0.001$ ). Moreover, results of regression analysis showed that parent-child relationship could significantly predict aggressive behavior among children with 99 percent confidence.

**Conclusion:** According to our findings, we can conclude that parent-child relationship quality is a significant and influencing factor in children's behavior, particularly their aggressive behavior.

**Keywords:** Parent-child relationship, aggressive behavior, children

---

1. \* **Corresponding author:** M.A. in Psychology, University of Guilan, Rasht, Iran (mirzaei62@gmail.com)

2. Assistant Professor, Department of psychology, University of Guilan, Rasht, Iran

3. Assistant Professor, Department of educational sciences, University of Guilan, Rasht, Iran